

دوره آموزشی هوش هیجانی

استاد سید مهدی میررفیعی

۲۱، ۲۱، ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳

تدوین شده در مدرسه
کسب و کار کرمانی

هوش هیجانی چیست؟

هوش هیجانی یعنی توانایی کنترل و تنظیم احساسات و رفتارها. پس در تقابل و ارتباط با دیگران است که هوش هیجانی معنا پیدا میکند.

هوش هیجانی، هوش ۵ ثانیه یکبار زندگی ماست! چون ما هر ۵ ثانیه یکبار در معرض دوراهی و تصمیم گیری های کوچکی هستیم که در نهایت، مسیر کلان زندگی ما را تعیین می کنند. لذا هوش هیجانی تعیین کننده جایگاه ما در زندگی است.

هر آدمی جایگاه امروزش را مدیون ۵ تا ۱۰ پله است. و این پله ها زیاد نیستند. منظور از این پله ها، تحولات فکری ما انسان هاست. همچنین انسان ها به تعداد تحولات فکری که تجربه می کنند رشد میکنند. پس رشد ما حاصل تحولات فکری ما است.

هوش هیجانی یکی از آن تحولات فکری و یکی از آن پله ها در زندگی است.

کانون کنترل درونی و بیرونی چیست؟

کانون کنترل بیرونی: سهم خطا و تقصیر بیرون از من است و جامعه و عوامل دیگر دخیل اند.

کانون کنترل درونی: سهم خودم و نقش خودم در تقصیر پر رنگ تر است.

انسانی مرکز کنترل بیرونی دارد برای هر کاری به دلیل و بهانه بیرونی پیدا میکند.

هر چقدر انسان بتوان کانون کنترل را به سمت کنترل درونی ببرد، فرد موفق تری خواهد بود. چون نقش خودش را پررنگ تر می بیند و اشتباهات قبلی را تکرار نمیکند.

انسان ها هر سال ۵ تصمیم خیلی مهم میگیرند. همچنین انسان ها هر ماه ۵ تصمیم مهم میگیرند. و همینطور در طول روز نیز هر ۵ ثانیه یک بار، تصمیم های جزئی میگیرند و به قدری این تصمیمات کوچک و ریز هستند که اسمشان در روزمره ما میشود رفتار.

جایگاه امروز هر فردی حاصل تصمیمات اوست. و تصمیمات کوچک او، همان رفتارهاست. حتی رفتار های ریز ما و میکرو موومننت های ما هم جایگاه امروز ما را می سازد! دست آورد تو نتیجه رفتار توست!

پی بردیم که چیزی که در حال حاضر هستیم و جایی که در درخت زندگی مان قرار گرفتیم، حاصل ۴ بخش است:

1. جایگاه اقتصادی ما
2. جایگاه اجتماعی ما
3. جایگاه عاطفی ما
4. جایگاه معنوی ما

میخواهیم در این دوره یاد بگیریم با اصلاح رفتار ها و تصمیمات مون در زندگی جایگاه اجتماعی و اقتصادی و عاطفی خودمان را متحول کنیم.



رفتار مغز ما:

در مغز ما یک اتاق کنترل است که وقتی ورودی میگیرد، دو اپراتور هستند که پردازش میکنند و واکنش نشان میدهند و تمام رفتار ما و زندگی ما را میسازند. این دو اپراتور را اگر تغییر بدهیم و دو اتاق کنترل بهتر بسازیم، تمام زندگی و جایگاه اقتصادی و عاطفی و اجتماعی و معنوی ما را متحول میکند.

باید ورودی‌ها (مرکز کنترل بیرونی) را اصلاح کنیم تا پردازش‌ها (مرکز کنترل درونی) اصلاح شوند.

قبلا، ورودی‌های تو، توسط تو انتخاب شده اند!

ورودی‌های امروز تو، نتایج انتخاب‌های دیروز تو اند!

ورودی‌های تو، توسط تصمیم‌های قبلی تو انتخاب شده است!

یکبار برای همیشه امروز، ورودی‌هایت را پالایش کن! بزرگترین راز موفقیت انسان‌های خودساخته این است که ورودی‌های خود را کنترل کرده اند. هر محصولی و اطلاعاتی را ورودی مغز خود نمیکنند. اطلاعات وزن دارند. دارای قیمت و ارزش اند.

این دوره روی پردازش‌های مغز کار میکند و اصلاحات انجام میدهد. اما روی ورودی‌ها کاری نمیتواند بکند. ورودی‌ها را خودتان دست به کار شوید و پالایش کنید.

نظریه اقتصاد توجه (هربرت سایمون):

توجه * زمان = پول

اگر کسی موفق شود که توجه تو را به خود بگیرد و زمانی از تو را هم به خود اختصاص دهد، پول تو را جذب کرده.

توجه، مهم‌ترین سرمایه زندگی توست! سیم خاردار بکش دورش!

این سرمایه را به راحتی خرج نکن.

واکنش من، نسبت به هر ورودی‌ای رفتار من است.

همه ورودی‌ها و سیگنال‌های مختلف به تفکیک وارد مغز می‌شوند.

مرکز احساسات مغز ما لیمبیک است. تمام ورودی‌ها اول وارد قسمت لیمبیک در مرکز مغز می‌شوند.

در حالت کنترل احساسات، اطلاعات وارد نئوکورتکس میشود، در این حالت غشاء بیرونی و نئوکورتکس است که وارد تصمیم‌گیری خواهد شد.

فروید: رشد، توانایی و قدرت به تعویق انداختن لذت است! (نه حذف لذت)

مغز تشکیل شده از حدود ۱۳۰ میلیارد سلول عصبی. هوش هیجانی از جنس سلول نیست که قابل شناسایی و مشاهده باشد. از جنس نور و برق است. اتصالات الکتریکی مغز است. لحظه‌ای هست و لحظه‌ای نیست.



به اتصالات بین لیمبیک و نئوکورتکس و تبادل اطلاعات بین این دو میگویند هوش هیجانی. بین لیمبیک و نئوکورتکس روزانه میتواند ۱۶۰۰۰ بار دیتا رد و بدل شود. ولی به طور معمول، انسان ها صرفاً ۸۰۰۰ بار انتقال دیتا دارند. و این نقطه ی تفاوت بین هوش هیجانی بالا و پایین در انسان ها است.

تعریف هوش هیجانی:

1. به ارتباط بین لیمبیک و نئوکورتکس هوش هیجانی می گویند که از جنس سلول نیست و از جنس اتصالات نوری است.
2. هوش هیجانی یعنی در تعامل بین لیمبیک و نئوکورتکس ، گاهی اوقات پیروزی لیمبیک، گاهی اوقات پیروزی نئوکورتکس اتفاق می افتد.
- لذا مفهوم تعادل بین عقل و احساس را بطور کامل از ذهن خود حذف کنید چرا که مفهومی است غلط. پیروزی در بعضی شغل ها و برای بعضی افراد یعنی پیروزی احساس و غلبه لیمبیک و برعکس برای بعضی شغل ها و بعضی افراد یعنی پیروزی نئوکورتکس و غلبه منطقی. انسان ها در مقابل هر ورودی ای ، بی شمار خروجی و تصمیم می توانند داشته باشند. این که کدام درست است را موقعیت تصمیم گیری است که تعیین میکند.
3. افزایش هوش هیجانی در مغز این گونه ایجاد میشود: ابتدا یک رفتار غریب و نا آشنا برای اولین بار به سختی اجرا میشود. در این مرحله (مثلاً کنترل خشم) یک اتصال برای اولین بار در بخشی از مغز ایجاد میشود. اگر این رفتار جدید تکرار شود آن اتصال به بخش نا خودآگاه مغز ارتباط پیدا میکند و متصل می شود.
4. هوش هیجانی یعنی در زمان دریافت یک ورودی، همزمان به چند خروجی یا واکنش دسترسی پیدا کنیم.
- هوش هیجانی بالا یعنی در کسری از ثانیه همه واکنش ها و عواقب آن ها را ببینی.
5. هوش هیجانی یعنی در زمان دریافت یک ورودی، قبل از اعمال خروجی (واکنش نشان دادن) عواقب آن خروجی دیده شود.
6. هوش هیجانی یعنی مدیریت به موقع احساسات، یعنی گاهی سرکوب، گاهی بروز. افرادی که در تمام تصمیمات فقط از منطق استفاده می کنند، دچار کوری احساسی شده اند و اینگونه افراد مشکل بروز دارند.
- هر کاری را که مطلع هستی که نباید انجام بدهی، اگر انجام بدهی حاصل عمل نکردن هوش هیجانی است.

EQ با افزایش سن افزایش پیدا میکند اما در همه یکسان رشد نمی کند.

دو شیوه افزایش هوش هیجانی:

1. با گذر عمر و کیفیت تجربه
 2. «آنچه جوان در آینه می بیند پیر در خشت خام میبیند»
با ایجاد آگاهانه اتصالات
- «فقط یک احمق تصمیم میگیرد که هر چیزی را تجربه کند...»
- امروز هزینه زمان و هزینه تجربه خیلی گران و سنگین است و باید از تجربه دیگران استفاده کرد.

ما یک ظرفی داریم در مغز به اسم ظرف هوش هیجانی. این ظرف آمیگدال است. آمیگدال یک هارد است که کار آن ذخیره کردن حس ما نسبت به هر چیزی است. تجربه هر چیزی شامل دو بخش است. بخش اطلاعات و دیتای حاصل از تجربه که در نقاط مختلف مغز ذخیره میشود. و بخش احساس و روح تجربه که در آمیگدال ذخیره میشود.

جایگاه عاطفی آدم ها را ذخیره های آمیگدالشان تعیین میکند. هر کسی در زندگی برای شما مهم است، به پر کردن ظرف آمیگدال او توجه کنید.



جلسه دوم:

رفتار = واکنش = خروجی

تعریف ساده شده از هوش هیجانی توسط آقای گاردنر :

هوش، توانایی درک و ایجاد ارتباط بین پدیده ها است.

اگر کسی بتواند بین ۲ تا چیز ارتباطی ایجاد کند، که دیگران قادر نباشند آن ارتباط را بسازند، در آن چیز دارای هوش است. بر همین اساس نیز هوش موسیقایی، و هوش فضایی و هوش بدنی و عضلانی و هوش معنوی و هوش کلامی و هوش منطقی را تعریف میکنند. دانیل گلمن هوش هیجانی را در ۵ مولفه بیان کرد. همچنین تراویس برادبری نیز هوش هیجانی را در ۴ مولفه بیان کرد که صرفاً در انگیزه با هم متفاوت اند:

بعد ۱ - خود آگاهی = شناخت خود و هیجان های خود = آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود = استعداد یابی

بعد ۲ - خود کنترلی = خود مدیریتی = خود نظم دهی = مدیریت هیجانات خود = سرکوب و بروز احساسات

بعد ۳ - شناخت دیگران = همدلی = شناخت هر چیزی غیر خود = توانایی قرار دادن خود به جای دیگران و از جایگاه آنان به مساله نگاه کردن = آگاهی اجتماعی

بعد ۴ - مدیریت دیگران = مدیریت و تنظیم روابط دیگران = مهارت های اجتماعی = تنظیم هیجانات دیگران = رهبری!

بعد ۵ - انگیزه

برای هوش هیجانی بالا نیاز داریم که هر 4 یا 5 بعد با هم عمل کنند. ریشه اکثر گرفتاری های انسان در این ۵ تا است. هر جا در زندگی اشتباه کرده ایم یکی از این بعد ها عمل نکرده است.

برایان تریسی: «چگونه» فقط یک سوال نیست. یک جواب است!

کلمات چگونه و چطوری و چجوری .. ما رو به سمت کانون کنترل درونی هدایت میکنه.

۶۰٪ عملکرد همه مشاغل به هوش هیجانی وابسته است

۹۰٪ کسانی که عملکرد شغلی عالی دارند هوش هیجانی بالا دارند .

هرچه سطح تعامل و ارتباط با دیگران در آن شغل بیشتر باشد شخص بیشتر به EQ نیاز پیدا میکند.

افراد درون گرا در معرض افت هوش هیجانی اند. کسانی که برون گرایی افراطی دارند هم در معرض هوش هیجانی پایین اند.

هوش هیجانی باعث رشد فردی، سپس رشد گروهی، سپس رشد سازمانی و رشد فرهنگی، و سپس رشد یک ملت خواهد شد.

همچنین هوش هیجانی قابلیت سرایت دارد. و حالا تو مسئول هوش هیجانی کسانی هستی که اطرافت هستند.

هر گونه تحریک و تشویق به حرکت ها و رفتارهای هیجانی جمعی، خودش منجر به کاهش هوش هیجانی میشود.



ارورهای رفتاری و نشانه های هوش هیجانی پایین:

همه ما این ارور های رفتاری را داریم. ولی بیماری یا مشکل نیست. در صورتی میشه بیماری و مشکل زاست که بر آینده ما تاثیر گذاشته و در بلند مدت تعدد اون رفتار زیاد شود

1. انتقاد پذیری

همه انسان ها بعد از شنیدن نقد، رفتار خودشان را اصلاح میکنند. این اسمش انتقاد پذیری نیست. به حس درونی انسان بعد از شنیدن انتقاد می گویند انتقاد پذیری.

2. بد اخلاقی = خشم ملایم و پر تکرار

شایع ترین و خطرناک ترین مورد است

فرد بد اخلاق همیشه دارای یک خشم درونی است و با هر محرکی خشم خود را بروز میدهد. آلپاچینو: من مدت هاست که دیگر از دست کسی عصبانی نمیشوم. فقط نظرم در مورد او عوض میشود. با هیچ کس مجادله نکنید. شما مسئول تغییر هیچ کسی نیستید. به جز دو گروه. 1- عزیزانتان. 2- کسی که از شما درخواست کرده باشد. در غیر این دو حالت از بحث با آدم ها انصراف بدهید و بعد میرسید به آرامش! قال میر رفیع: آدم بد اخلاق اولین چیزی که در زندگی ش از دست میدهد عشق است. چون هیچ کس در بلند مدت نمیتواند عاشق یک آدم عصبانی و بد اخلاق بماند. و دوم اینکه ارتباطات ش را در بلند مدت از دست میدهد.

3. قهرهای مکرر، توسط افرادی که نمیتوانند روابط شان را مدیریت کنند نشان دهنده هوش هیجانی پایین است.

قهر به معنای عدم توانایی در مدیریت فردی است که سازگاری فکری با او ندارم و ساختار فکری ما با هم فرق دارد. البته حذف آدم های سمی با قهر فرق دارد. آدم سمی یعنی کسی که وجود و حضورش در زندگی تو تاثیر منفی دارد.

4. افرادی که در مراودات اجتماعی ظرفیت تحمل پایین دارند.

هم ظرفیت فردی هم ظرفیت اجتماعی شان پایین است. اینها بعد دومشان مشکل دارد

5. نیش و کنایه زدن . زبان گزنده داشتن

اینها در بعد ۴ مشکل دارند. یعنی آگاهانه آسیب زدن و تیغ زدن به دیگران . در تمام این ارورها دقیقا اونهایی که مربوط به بعد ۴ اند و رفتار آگاهانه اشتباه با دیگران دارند خطرناک ترین هستند.

6. غر زدن . که نشان دهنده اعتماد به نفس پایین است.

آدمی که غر نمیزند در مواقع چالشی، گفتگو میکند.

7. زود واکنش نشان دادن

صبر داشته باشیم. بین محرک و پاسخ یک مکث بیاندازیم.

افرادی که سرعت گفتگوی بالا و پینگ پنگ دارند، معمولا گفتگو را تبدیل به دعوا و مشاجره میکند. قال میر رفیع: هر اختلاف نظری اگر به صورت پینگ پنگ مطرح شود تبدیل به دعوا میشود. با مکث انداختن و پایین آوردن سرعت واکنش مدیریت ش کنید.



8. در مورد همه چیز تحلیل کردن، اظهار نظر کردن بیش از اندازه، توهم دانایی داشتن. مربوط به بعد ۱ و ۲ کسانی که به ندانستن خودشان آگاه اند و درباره مسائل زیاد میگویند نمیدانم، آدم های بزرگی هستند. اینها در مورد مسائلی که میگویند میدانم قابل اعتماد ترند.

9. آدم های سمی، افراد منفی و بدبین
آدم منفی باف را هیچ کس نمیتواند تبدیل کند به آدم مثبت اندیش. این یک پروژه شکست خورده است. البته منفی باف با منتقد فرق دارد. آدم های منفی باف درباره همه چیز نظر میدهند. آدم منتقد فقط در حوزه تخصصی خودش نظر میدهد. آدم منفی باف بدون اینکه از او نظری بخواهی اظهار نظر میکند. منتقد ها فقط وقتی از ایشان خواسته شود نقد را بیان می کنند. آدم منفی باف توانایی دیدن آینده را ندارد و بیشتر در گذشته سیر میکند تا در آینده.

جلسه سوم

10. عادت به صحبت درباره دیگران نشانه هوش هیجانی پایین است
بدترین نوع آن، انتقال صحبت دیگران در مورد خود شما به شماست. تعابیر در مورد این ویژگی منفی در قران نیز بیان شده است.

11. آدم هایی که ریسک ندارند دارای هوش هیجانی پایین هستند
کسانی که قدرت ریسک ندارند و یا کسانی که ریسک محاسبه نشده را امتحان میکنند دارای هوش هیجانی پایین هستند. رشد نیازمند تغییر است ← تغییر نیازمند ریسک است ← ریسک نیز نیازمند هوش هیجانی است.

12. افرادی که دوستان اجتماعی زیادی ندارند هوش هیجانی پایین دارند.
خانواده هایی که معاشرتی نیستند هوش هیجانی پایینی دارند. هیچ فرمولی برای موفقیت نیست به جز ارتباطات!

13. کوری احساسی نشانه هوش هیجانی پایین است.
عدم توجه به احساس شریک عاطفی یا عدم توجه به احساس پدر و مادر و خانواده، عدم توجه به مشکلات دوستان صمیمی، عدم درک وضعیت کارمندان

14. عدم توانایی بروز احساسات نشانه هوش هیجانی پایین است.

15. خودخواه بودن.
این افراد بابت هیچ کاری از دیگران عذرخواهی نمی کنند
کلید تشخیص انسان های بزرگ یکی گفتن واژه نمیدانم است، یکی زبان عذر خواهی. عذرخواهی نشان دهنده اوج خود آگاه و خود بروزی است.

16. پیروی از رفتار رمه ای و رفتار توده ای و جوگیر بودن نشانه هوش هیجانی پایین است.
عملکرد بدون تحلیل و تفکر صرفا بر اساس تبعیت از دیگران. در مدل رمه ای تصمیمات افراد متبنی بر تصمیم گروه است. این پدیده در اقتصاد خیلی زیاد است.



17. تفکر دو قطبی داشتن نشانه هوش هیجانی پایین است.

هیچ تقسیم بر دوئی وجود ندارد. قبل از انقلاب و بعد از انقلاب - با حجاب و بی حجاب - تهرانی و شهرستانی - ...

18. لجباز بودن نشان دهنده هوش هیجانی پایین است.

مربوط است به بعد ۴ ، چون آدم لجباز آگاهانه به تخریب روابطش با دیگران می پردازد.

19. افراط در هر چیزی

افراط در خوردن . افراط در ورزش بدون هدف. افراط در شوخی. افراط در کار. افراط در درس . افراط در خرید. افراط در مهمانی

... .

هر کس که افراط و زیاده روی در مصرف هزینه و منابع دارد هوش هیجانی پایین دارد.
آدمی که نتواند در هر شرایط و وضعی، تعادل و توازن را برقرار کند هوش هیجانی پایین دارد.

قال میر رفیع: هر انسانی در زندگی ش یک جایی در حال افراط است. بگردید افراط های خودتون رو پیدا کنید.
هر کس جلوی افراطش رو بگیرد منابعش آزاد میشود. هر آدمی اتلاف منابع دارد. بگردید این هارو پیدا کنید.

20. Over Value کردن هر چیزی نشانه هوش هیجانی پایین است.

بزرگ کردن خطای یک فرد. بزرگ کردن خود یک فرد. بزرگ کردن خوبی های یک فرد.

21. افراد دمدمی مزاج هوش هیجانی پایین دارند.

این افراد توانایی کنترل حالات درونی خود را ندارند. کسانی که احساسات شون کف دستشونه. کسانی که نوسانات رفتاری دارند. ثبات رفتاری بالا نشانه هوش هیجانی بالاست.

22. افرادی که معتقد اند حس آن ها هیچ وقت اشتباه نمی کند دارای هوش هیجانی پایین هستند.

انتخاب افراد بر اساس حس و انرژی . تصمیمات حسی. عدم استفاده از داده و اطلاعات. این یعنی که از لیمبیک فرمان دریافت میکنی. هرچه قدر انسان از سمت داده و اطلاعات به سمت حس متمایل شود به راحتی فریب میخورد.

23. تفکر دگم و غیر قابل تغییر داشتن و خشک مغزی

وقتی ایدئولوژی مقدم شود بر همه چیز. این افراد دیتاها را بر اساس داده های اندک خود تحلیل میکنند. افراد غیر قابل تغییر دگم اند. اشتباه کردم و معذرت میخواهم میشود آبی بر آتش همه زندگی تان.

24. رک بودن نشانه هوش هیجانی پایین است. مربوط به بعد ۴ است و باعث خراب شدن روابط میشود.

شرط های رک بودن: ۱. آدم مقابل شما آدمی هست که ظرفیت شنیدن حرف رک را داشته باشد؟ ۲. زمان مناسبی برای بیان حرف رک به طرف مقابل هست؟ ۳. آیا روش من روش مناسبی برای بیان حرفم هست؟

25. ضدحال بودن در جمع و ترجیه سلیقه و نظر شخصی به نظر جمع نشانه هوش هیجانی پایین است.

خوش سفر بودن یعنی هوش هیجانی بالا داشتند. این مساله با رفتار رمه ای متفاوت است. در رفتار رمه ای شما توده و گروه را نمیشناسید. ولی اینجا جمع و گروه را کاملا میشناسید.

افرادی که باید در زندگی همه چیز بر وفق مرادشان باشد از هوش اجتماعی خیلی پایین بهره مند اند و دچار تنهایی اجتماعی می شوند و معمولاً آدمهای دیگر اینها را پس میزنند.



26. تنبل بودن.

شامل هر اقدامی که فرد میدانند برای او مفید است اما از اقدام آنها خودداری میکند. اتلاف زمان و عمر نشانه هوش هیجانی پایین است.

27. هر نوع کلام یا رفتار به دور از ادب

راه افزایش هوش هیجانی :

گام ۱: پیدا کردن ارور هایی که تا به امروز عامل مشکلات و رفتار های اشتباه مالی و عاطفی و اجتماعی من شده است

گام ۲. پذیرش! تا نپذیری خطا را نمی توانی گامی برای اصلاح ش بردارید.

گام ۳. دیتا و اطلاعات. تحقیق و مطالعه و کلاس آموزشی و .. (تا این مرحله هنوز اقدام نداریم)

گام ۴. حساس کردن سنسور مغز به هر ایراد و ارور . بدون اینکه نیاز به اقدام داشته باشیم با حساس کردن مغز، چیزی رو که به عنوان ارور شناسایی کرده بودیم، تا حد زیادی بر طرف میشود.

گام ۵. ثبت آن رفتار. تعداد زیادی از انسان ها نیازی به اقدام عملی در مرحله ۵ ندارند. چون خود به خود مغز برنامه ریزی عملی کمرنگ شدن این رفتار ها را دارد به طور طبیعی و میبینم که مدام فواصل بین ثبت ها زیاد میشود.

گام ۶. تمرین جلوگیری از رفتار. خیلی ها به این گام نمیرسند. چون با گام قبلی خود به خود رفتار اصلاح شده است.

هر دیتایی که در مغز ما ثبت میشود، تمام اطلاعات مربوط به آن ثبت می شود . هر کدام از ویژگی های مربوط به آن مثل اسم ، تصویر، صدا، رنگ ،.... با یک کد جداگانه ثبت میشود. ولی موقع یادآوری همه کد ها با هم فراخوان می شوند.

با هر دریافت جدیدی، کد ها در مغز هم با هم ایجاد میشوند و هم بعداً با هم فراخوان میشوند.

کد های که ثبت میشوند در مغز هرگز پاک نمیشوند. اما میتوان اتصالاتشان را تغییر داد.

برای فراموش کردن یک خاطره و یک کد دو راه حل هست: 1- فراخوان نکردن طولانی مدت کد ها تا اینکه دیگر به راحتی برای فراخوانی و یادآوری دم دست نباشند. 2- بازنویسی کد ها . بازنویسی رویداد ها و خاطرات جدید روی اتصالات قبلی .

انسانی که هوش هیجانی بالایی دارد، یکسری اتصالاتی در مغزش دارد که مغز دیگری ندارد. تفاوت انسان ها با هم در تفاوت اتصالات مغزی و مسیر های نوری مغزی است.

تکنیک ساده، بی درد سر و راحت بالابردن هوش هیجانی در انسان، هم نشینی و مجاروت با کسانی است که هوش هیجانی بالایی دارند. چرا؟ چون مسیرها و اتصالات مغزی کپی می شود! تو برآیند ۵ نفری هستی که بیشترین ارتباط را با آنها داری.

تربیت چیزی نیست جز مسیر کردن فرآیندهای مغزی، لذا با مسیر آدم ها رفاقت کن . با مسیر های آدم ها شراکت کن. و بترس از مسیر آدم ها . و آدم های مسیر درست رو سفت نگه دار . دور بخش کد گذاری مغزت سیم خاردار بکش!

از کجا بفهمی با چه کسی معاشرت کنیم با چه کسی نه؟

کسی که هیچ یک از اشکالات و ارور های مذکور را به طور بارز و محکم و مکرر نداشته باشد.



KERMANI GROUP

برندهای زیرمجموعه گروه ساختمانی کرمانی



شرکت پیشرو آتیه سازان آرمانی



شرکت پیشرو آتیه سازان کارنو



شرکت پیشرو آتیه سازان کارما



مدرسه کسب و کار کرمانی



شرکت پیشرو آتیه سازان کاد

گاهی بلند در مسیر ارتقاء سطح زندگی شما

 www.Kermani.group

 025-33 20 1000  0912 151 9110

 دفتر مرکزی: قم، سالاریه، خیابان نواب، پلاک 300